

و ظرفیت‌های حقوقی پیگیری قضایی جمهوری اسلامی ایران

وحید دهنوی^۱

مصطفی تقی‌زاده انصاری^۲

فتح‌الله رحیمی^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۰۶/۱۲

نشریه علمی آفاق امنیت / سال سیزدهم / شماره چهل و هشتم - پاییز ۱۳۹۹

چکیده

سردار قاسم سلیمانی در حملهٔ پهباد امریکایی به فرودگاه بغداد در بامداد جمعهٔ ۱۳ دی ۱۳۹۸ ترور شد. در این حمله ابومهدی المهندس از فرماندهان گروه شبه‌نظامی عراقی حشدالشعبی به‌همراه ۱۰ تن دیگر به شهادت رسیدند. وزارت دفاع امریکا اعلام کرد که دستور این حملهٔ هوایی را دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری و فرماندهٔ کل قوای این کشور صادر کرده است. این موضوع به‌دلیل پیامدهای مختلف داخلی و جهانی از لحاظ موازین بین‌المللی قابل تحلیل و بررسی است. در این مقاله نویسنده با انجام مصاحبه با اساتید مطرح حقوق بین‌الملل ایران، سعی در تبیین این مسئله داشته است که اولاً: امریکا مطابق پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها مصوب ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل، دارای مسئولیت بین‌المللی است یا خیر. ثانیاً: اینکه ج.ا.ایران از چه طریقی می‌تواند به احقاق حق و اقامهٔ دعوی حقوقی بپردازد. فرضیهٔ پژوهش نشان می‌دهد که عناصر فعل متخلفانهٔ امریکا وفق مادهٔ ۲ پیش‌نویس مزبور قابل احراز و مسئولیت بین‌المللی متوجه این کشور است و ج.ا.ایران می‌تواند جهت اقامهٔ دعوی به برخی مراجع بین‌المللی و داخلی مراجعه نماید و در مواردی که حصول نتیجه از طریق مراجع ذی‌صلاح مقدور نباشد، می‌توان با توسل به دکتربین خودیاری، احقاق حق نماید.

واژگان کلیدی

مسئولیت بین‌المللی دولت؛ مراجع بین‌المللی؛ مراجع قضایی داخلی؛ خودیاری؛ اقدام متقابل

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

v.dehnavi63@gmail.com

۲. نویسندهٔ مسئول: استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

tansariir@yahoo.com

۳. استادیار حقوق بین‌الملل، دانشکدهٔ علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، تهران، ایران

rahimif_law@yahoo.com

شهید قاسم سلیمانی^۱ یک فرمانده ارشد نظامی ایرانی بود. او در طول جنگ ایران و عراق و تا سال ۱۳۶۷، فرماندهی لشکر ۴۱ ثارالله کرمان را بر عهده داشت. پس از آن به کرمان بازگشت و در مرزهای شرقی به مبارزه با اشرار و قاچاقچیان مواد مخدر پرداخت. از سال ۱۳۷۹ تا زمان شهادت، به‌عنوان فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی فعالیت می‌کرد. در ۱۳ دی ۱۳۹۸، ارتش آمریکا وی را به‌دستور دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور این کشور، در عملیات آذرخش کبود^۲ هنگام خروج از فرودگاه بین‌المللی بغداد برای انجام دیدارهای رسمی با مقامات عراقی ترور کرد. سردار سلیمانی طی جنگ با عراق از فرماندهان عملیات‌های والفجر هشت، کربلای چهار و کربلای پنج بود. سپس، در مقام فرمانده نیروی قدس سپاه نقش مهمی در تقویت قدرت نظامی حزب‌الله لبنان، خروج رژیم صهیونیستی از جنوب لبنان، جنگ افغانستان، شکل‌دهی به فضای سیاسی عراق پس از سرنگونی صدام حسین، تغییر روند جنگ داخلی سوریه و مقابله با داعش در عراق و سوریه داشته است.

حادثه ترور سردار سلیمانی در خاک عراق به‌دستور رئیس‌جمهور ایران دکتر حسن روحانی از نظر حقوقی بررسی شد. بررسی حقوقی این حادثه از نظر حقوق‌دانانی همچون دکتر حسین میرمحمد صادقی به‌لحاظ حقوقی یک جنایت بین‌المللی تلقی شده و از آنجایی که قربانی آن یک ایرانی بوده در محاکم ایران قابل رسیدگی است^۳. همچنین این حادثه مشتمل بر جنایت تجاوز سرزمینی^۴ است که در منشور ملل متحد و اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تعریف شده است (<https://www.icana.ir/Fa/News/441240>). به‌عبارتی حمله آمریکا به فرودگاه بغداد، نقض حاکمیت و استقلال سیاسی عراق است و حمله مسلحانه به ایران نیز تلقی می‌گردد و حق دفاع مشروع بر اساس منشور ملل متحد و قواعد عرفی بین‌الملل وجود دارد. این حمله ناقض قوانین داخلی آمریکا نیز بوده است؛ چراکه بدون مجوز کنگره آمریکا صورت گرفته است. آمریکا در توجیه اقدام خود به دفاع

۱. تولد ۲۰ اسفند ۱۳۳۵ در فئات ملک، شهادت ۱۳ دی ۱۳۹۸ در بغداد.

۲. حدود ساعت ۱ بامداد جمعه، ۳ ژانویه ۲۰۲۰، در حمله هوایی آمریکا به دو خودرو در نزدیک فرودگاه بین‌المللی بغداد، قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس و ۱۰ نفر از همراهان آنان به شهادت رسیدند.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: <https://www.icana.ir/Fa/News/441240/>

۴. عمل تجاوزکارانه به‌معنای استفاده از نیروی مسلح توسط یک دولت علیه حق حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی دولت دیگر یا هر شکل دیگری که با منشور سازمان ملل متحد ناسازگار باشد. به‌عبارتی عمل انجام گرفته از طرف آمریکا علیه سردار سلیمانی در خاک عراق، مطابق با قطعنامه ۳۳۱۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ نوعی عمل تجاوزکارانه محسوب می‌شود.



بازدارنده اشاره کرده است. اما از دیدگاه حقوقی دفاع در مقابل تجاوز معنا پیدا می‌کند که مبتنی بر سه اصل تناسب، ضرورت و فوریت است. ایران می‌تواند در چهارچوب مسئولیت بین‌المللی دولت ۲۰۰۱ به‌طور مستقل دست به اقدام متقابل بزند (<https://sptnkne.ws/AUWM>). دکتر امیر ساعد وکیل نیز، در تحلیل حقوقی این حادثه گفت: «با توجه به این حقیقت که از لحاظ حقوق بین‌الملل، ایران و آمریکا در وضعیت مخاصمه مسلحانه قرار ندارند، توسل به ابزارهای حقوق جنگ برای توجیه اقدام آمریکا در هدف قراردادن سردار سلیمانی بلاوجه خواهد بود»^۱. وی همچنین افزود تروریستی اعلام کردن سپاه پاسداران از سوی آمریکا در حدود قوانین داخلی آمریکا می‌باشد و استناد به آن در قلمروی سرزمینی کشور عراق و جاهت ندارد.

با این وجود به نظر می‌رسد به‌صورت دقیق به این موضوع پرداخته نشده است که آمریکا کدام تعهدات بین‌المللی را نقض کرده است و آیا می‌توان عمل انجام شده را مطابق پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت به آمریکا منتسب نمود یا خیر. از این‌رو نویسنده به‌کمک روش توصیفی - تحلیلی و ضمن بررسی نظرات و همچنین انجام مصاحبه با تعدادی از اساتید حقوق بین‌الملل^۲ ابتدا به ابعاد مختلف حقوق مسئولیت بین‌المللی پرداخته و سپس ظرفیت‌های حقوقی و قضایی احقاق حق از سوی جمهوری اسلامی ایران را با مطالعه حقوق داخلی و بین‌المللی مورد ارزیابی قرار داده است.

۱. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: hamshahrionline.ir/x643q.

۲. رشته تحصیلی و تخصص علمی اساتید حقوق بین‌الملل به‌شرح زیر می‌باشد:

دکتر احمد مؤمنی راد (استاد دانشگاه تهران) - دکتر محسن عبدالهی (دانشیار دانشگاه شهید بهشتی) - دکتر امیر ساعد وکیل (استادیار دانشگاه تهران) - دکتر هیبت‌الله نژندی‌منش (استادیار دانشگاه علامه طباطبایی) - دکتر حسن جعفری طاهری (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب) - دکتر یوسف باقر حامد (مدرس و پژوهشگر دانشگاه) - دکتر جواد طهماسبی (استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال) - دکتر محمدرضا حسینی (استادیار دانشگاه دفاع ملی) - دکتر پوریا عسگری (استادیار دانشگاه علامه طباطبایی در حاشیه جلسه ترور شهید قاسم سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) - دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی (استاد دانشگاه علامه طباطبایی در حاشیه جلسه ترور شهید قاسم سلیمانی از منظر حقوق بین‌الملل، انجمن ایرانی مطالعات سازمان ملل متحد) - دکتر توکل حبیب‌زاده (دانشیار دانشگاه امام صادق (ع) در جلسه ستاد حقوق بشر) - دکتر عبدالحسین صفایی (استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع)).

نقض تعهد که ناشی از قواعد عام^۲ یا خاص^۳ حقوق بین‌الملل است، زمانی محقق می‌شود که فعل متخلفانه‌ای قابلیت انتساب به دولتی را داشته و در یک سلسله‌مراتب سیستماتیک قرار گرفته باشد. اجرای قواعد اولیه مستلزم رعایت قواعد ثانویه است بدین معنا که قواعد ثانویه مراحل اجرا و نقض قواعد اولیه را در بر می‌گیرد. نظم جامعه بین‌الملل در مسیری قرار دارد که تابعان اصلی آن یعنی دولت‌ها همواره مسئول اعمال خود باشند، اعمالی که در قالب فعل و یا ترک فعل^۴ بروز و ظهور پیدا می‌کنند. دولت‌ها از آنجاکه دارای شخصیت حقوقی هستند و از اختیارات وسیعی در نظام بین‌الملل برخوردارند از طریق گروه‌های انسانی اقدام نموده و این فعل و یا ترک فعل گروه‌های اخیرالذکر می‌تواند قابلیت انتساب به دولت را پیدا کند؛ به بیان دیگر دولت به خودی خود نمی‌تواند اقدامی انجام دهد مگر از طریق اشخاص، گروه‌ها یا ارکان وابسته به دولت. از این رو، وجود رابطه علیت بین فعل یا ترک فعل یک دولت یا یک سازمان بین‌المللی و عمل مخالف حقوق بین‌الملل از طریق مجموعه قواعد مربوط به انتساب مسئولیت احراز می‌شود و نظم حاکم بر جامعه بین‌المللی ایجاب می‌نماید که تابعان اصلی حقوق بین‌الملل مسئول فعل یا ترک فعل‌های خود باشند. (ملکی زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۰)

درخصوص اقدام دولت باید شرایط و اوضاع و احوالی که در حقوق بین‌الملل برای اثبات این رابطه وجود دارد، مورد بررسی قرار گیرد. اینکه آیا فرد یا نهادی که عملش به دولت نسبت داده می‌شود، به‌عنوان رکن دولت عمل می‌کند یا نه، برعهده نظم حقوق داخلی دولت‌هاست که تعیین نماید با چه شرایطی فرد یا نهاد، رکن دولت محسوب می‌شود (Boutin, 2017: 12). اما باید توجه داشت تعیین شرایط انتساب رفتار به دولت به‌عنوان تابع حقوق بین‌الملل جهت احراز مسئولیت بین‌المللی، طبق نظم حقوقی در این حوزه قابل بررسی و ارزیابی است (ملکی زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۱). باید توجه داشت که عمل متخلفانه بین‌المللی از زمانی قابلیت انتساب به یک دولت را پیدا می‌کند که توسط ارکان تحت‌اقتدار

۱. فعل متخلفانه عملی است که دولت نقض تعهدی را انجام می‌دهد که منجر به نقض الزامات حقوق بین‌الملل می‌گردد و عناصر تشکیل‌دهنده عمل متخلفانه و شروط تحقق مسئولیت عبارتند از: نقض تعهد و قابلیت انتساب. در مقابل عمل مجرمانه هر نوع فعل یا ترک آن است که مخالف نظم عمومی است و قانون برای آن ضمانت اجرا تعیین کرده است و برخلاف فعل متخلفانه در حوزه مسئولیت بین‌المللی منحصر به مواردی است که دارای عناوین مجرمانه است. عناصر تشکیل‌دهنده مجرمانه عبارتند از: الف. عنصر قانونی پدیده مجرمانه، ب. عنصر مادی پدیده مجرمانه، ج. عنصر روانی یا معنوی پدیده مجرمانه.

2. General Rules of International Law

3. Lex Specialis

4. Act or Omission



مؤثر آن انجام پذیرد. دولت‌ها نمی‌توانند با بهانه‌کردن ساختار ویژه حکومتی و تقسیمی که ارکان مختلف ایفا می‌نمایند، مسئولیت را از خود سلب نمایند. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز بر این نکته تأکید ورزیده است (Draft Articles on State Responsibility, 2001, Article 4؛ ملکی زاده، ۱۳۹۱: ۲۵۳). حال با توجه به این موضوع سؤال مطروحه این است که چگونه می‌توان عمل گروه نظامی ارتش آمریکا را در ترور شهید سلیمانی به دولت این کشور جهت طرح مسئولیت این کشور، منتسب نمود. چنانکه از مفاد صریح ماده ۴ متن پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها^۱ برمی‌آید، مطابق بند یک این ماده گروه نظامی آمریکایی از ارکان دولتی این کشور قلمداد می‌شود و چنانکه از اظهارات و بیانات رئیس‌جمهور این کشور برمی‌آید، رکن مذکور تحت فرمان و دستور وی به این عمل پرداخته است. با این حال اصل وحدت دولت^۲ نیز این نتیجه را دربردارد که، فعل و ترک فعل‌های تمامی ارگان‌های آن، در احراز مسئولیت بین‌المللی، فعل یا ترک فعل آن دولت تلقی می‌شود. از این رو در قضیه *Salvador commercial company* دیوان داوری اظهار داشت: «دولت مسئول اعمال مقامات خویش است تا جایی که مقامات مذکور آن اعمال را در سمت رسمی خویش مرتکب شده باشند و فارغ از اینکه آنها متعلق به بخش‌های تقنینی، اجرایی یا قضایی دولت باشند». دیوان بین‌المللی دادگستری نیز این قاعده را با لحن قاطع تأیید کرده است. در قضیه اختلاف راجع به مصونیت گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر، دیوان اظهار داشت: «بر اساس قاعده پذیرفته شده حقوق بین‌الملل، رفتار هر ارگان از دولت باید رفتار خود آن نهاد تلقی شود. این قاعده ... ماهیتی عرفی دارد» (I.C.J. Reports, 1999: 62). در آن قضیه، دیوان اساساً با تصمیمات دادگاه‌های دولتی سروکار داشت. اما این اصل بر اعمال اجرایی و تقنینی دولت هم اعمال می‌شود. نکته‌ای که دیوان دائمی دادگستری بین‌المللی در قضیه برخی منافع آلمانی در سیلزیای علیای لهستان این‌گونه بر آن صحنه گذاشت: «از نقطه نظر حقوق بین‌الملل و دیوان به‌عنوان یکی از ارکان آن، قوانین داخلی همچون تصمیمات قانونی یا تدابیر اداری بیانگر اراده دولت‌ها و مبنای فعالیت‌های آنها است» (German Settlers in Poland, 1923, P.C.I.J. Series B, No. 6: 19). در خصوص انتساب عمل متخلفانه در ترور شهید سلیمانی، علاوه بر اینکه عمل گروه نظامی وابسته به ارتش آمریکا را می‌توان در قالب ماده ۴ پیش‌نویس مطرح نمود، اظهارات

۱. ماده ۴ اشعار می‌دارد: ۱. رفتار هر ارگان کشوری، باید به‌موجب حقوق بین‌الملل، به‌عنوان عمل آن کشور دانسته شود؛ خواه آن ارگان، [وظایف] تقنینی، اجرایی، قضایی یا هر وظیفه دیگر را صرف‌نظر از موقعیتی که در سازمان کشور دارد و از ویژگی آن به‌عنوان ارگانی از دولت مرکزی یا واحد سرزمینی کشور اعمال کند. ۲. یک ارگان، متضمن هر فرد یا واحدی است که موقعیت مزبور را مطابق با حقوق داخلی کشور دارا است.

2. Unity of State

و بیانات مقامات امریکایی در این زمینه حائز اهمیت ویژه‌ای است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، در نطق سالانه خود در کنگره، در حملات لفظی تازه‌ای به حکومت ایران، از ترور قاسم سلیمانی، فرمانده سابق نیروی قدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، دفاع کرده است. وی اذعان نموده: «مسئول کشتن گروه‌بان هوک، ژنرال قاسم سلیمانی بود. ژنرال سلیمانی بی‌رحم‌ترین قصاب رژیم ایران بود. او هزاران نظامی امریکایی را در عراق به قتل رساند. به‌عنوان بزرگترین تروریست در جهان، ژنرال سلیمانی سازمان‌دهنده مرگ مردان، زنان و کودکان بی‌شماری بود. او حمله ماه دسامبر به نیروهای امریکا در عراق را هدایت کرد و به‌طور جدی در حال برنامه‌ریزی حملات جدید بود. به همین دلیل ماه گذشته، تحت رهبری من، ارتش امریکا یک حمله دقیق بی‌عیب و نقص را انجام داد که باعث ترور ژنرال سلیمانی شد و سلطنت شیطنی او را برای همیشه خاتمه داد»^۱. همچنین بیانات وزیر امور خارجه این کشور نیز حاکی از پذیرش این عمل متخلفانه به دولت امریکا است. در تاریخ ۳ ژانویه، مایک پمپئو ادعا کرد که قاسم سلیمانی، رئیس نیروی قدس ایران، قصد "حمله قریب‌الوقوع" به امریکایی‌ها را دارد. وی در چندین مصاحبه با مطبوعات، اظهار داشت که اگر در ۲ ژانویه ژنرال سلیمانی کشته نمی‌شد، امریکا از این امر آسیب می‌دید. وی به سی.ان.ان گفت: "من نمی‌توانم درباره ماهیت تهدیدها زیاد صحبت کنم، اما مردم امریکا باید بدانند که تصمیم رئیس‌جمهور ترامپ مبنی بر حذف قاسم سلیمانی از میدان نبرد، باعث شد که جان امریکایی‌ها نجات داده شود." پمپئو گفت: که حمله هواپیماهای بدون سرنشین به منظور جلوگیری از حمله ایران به منافع امریکا در آینده بوده است.^۲

1. Trump's State of the Union speech:

The terrorist responsible for killing Sergeant Hake was Qasem Soleimani, who provided the deadly roadside bomb that took Chris's life. Soleimani was the Iranian Regime's most ruthless butcher. He murdered thousands of American servicemembers in Iraq. As the world's top terrorist, Soleimani orchestrated the deaths of countless men, women, and children. He directed the December assault on United States Forces in Iraq, and was actively planning new attacks. That is why, last month, at my direction, the United States Military executed a flawless precision strike that killed Soleimani and terminated his evil reign of terror forever. Available at: www.vox.com

2. Pompeo on Soleimani, Iran Tensions:

On January 3, Secretary of State Pompeo alleged that Qassem Soleimani, the head of Iran's elite Qods Force, was planning an "imminent attack" on Americans. In several interviews with the press, he argued that the United States would have been negligent if it had not killed the general in a drone strike on January 0. "The American people would have said that we weren't doing the right thing to protect and defend American lives," he told NBC on January 5. But he declined to offer details about the plot other than that dozens, if not hundreds, of American lives were at stake. "I can't talk too much about the nature of the threats, but the American people should know that President Trump's decision to remove Qasem Soleimani from the battlefield saved American lives," he told CNN.



بنابراین با توجه به بیانات مقامات رسمی امریکا می‌توان گفت: در خصوص «انتساب عمل» وفق بند الف ماده ۲ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، نسبت به دولت امریکا تردیدی نیست. اما مسئله این است که آیا استناد مقامات به دفاع پیش‌دستانه و پیشگیرانه در جهت رفع مسئولیت، از منظر حقوق بین‌الملل قابل اتکا است یا خیر. در تحلیل این ادعا باید تصریح کرد که اولاً به‌موجب ماده ۵۱ منشور سازمان ملل متحد و رویه دیوان بین‌المللی دادگستری، دفاع مشروع باید در پاسخ به «حمله‌ای مسلحانه» باشد (Olivier (CORTEN, 2020: 47). به‌عبارت دیگر، بر مبنای حق بر جنگ، این توسل به‌زور در صورتی مجاز است که: ۱. حمله به نیروها و تأسیسات امریکا در عراق به شدت و مقیاسی رسیده بود که بتوان آن را مطابق با ماده ۵۱ منشور حمله مسلحانه به امریکا تلقی کرد، ۲. حمله مسلحانه قابل انتساب به ایران بود. ۳. در زمان ترور سردار سلیمانی، حمله مسلحانه ادامه داشت، و ۴. عناصر ضرورت و تناسب دفاع و حمله محقق بوده است (Talmon, s, 2020: 5). این در حالی است که شرایط مزبور، در خصوص ادعای دفاع مشروع از سوی امریکا محقق نبوده و نمی‌توان استناد به ماده ۵۱ منشور را پذیرفت؛ که در قضیه مورد بحث وجود ندارد. دکتترین دفاع مشروع پیشگیرانه، دکتترین مغایر با منشور ملل متحد است که امریکا در حمله سال ۲۰۰۳ خود به عراق بخت خود را با استناد به آن در جامعه بین‌المللی آزمود و با عدم‌پذیرش جهانی روبه‌رو شد. اکثریت قریب‌به‌اتفاق حقوق‌دانان آن حمله را مغایر با منشور و حقوق بین‌الملل در نظر گرفتند. درمورد دکتترین دفاع مشروع پیش‌دستانه نیز باید تصریح کرد که، این دکتترین نیز مغایر منشور سازمان ملل متحد در نظر گرفته می‌شود. با این حال، این دکتترین در مقایسه با دکتترین دفاع مشروع پیشگیرانه از اقبال بیشتری برخوردار است، اما در این قضیه امریکا از مستندات کافی برای استناد به آن نیز برخوردار نیست. برای استناد به این دکتترین، باید وجود حمله مسلحانه «فوری و

Pompeo said that the drone strike was intended to deter Iran from future attacks on U.S. interests. "I hope that the Iranian leadership will see that and they'll see American resolve and that their decision will be to de-escalate, to take actions consistent with what normal nations do. And in the event that they do not, in the event they go the other direction, I know that President Trump and the entire United States Government is prepared to respond appropriately," he told Fox News.

Pompeo dismissed questions about the legality of the targeted killing. "He's a military commander who was actively engaged in plotting to kill Americans in the region. We had an important set of underlying reasons to take this strike. It was wholly lawful. We're confident that we not only got it right legally but we got it right strategically," he added.

The following is a roundup of Pompeo's interviews with the press since the drone strike. Available at: www.iranprimer.usip.org & CNN, «Pompeo: Strike on Soleimani disrupted an 'imminent attack' and 'saved American lives'», 3 janvier 2020, <https://edition.cnn.com/2020/01/03/politics/mike-pompeo-iran-soleimani-strike-cnn/index.html>.





قریب‌الوقوعی» از سوی دولت مدعی دفاع اعلام و اثبات شود. چنین ادعایی در مورد سفر سردار سلیمانی نه تنها از سوی مقامات امریکایی مطرح نشده است، بلکه اظهارات مقامات این کشور در مغایرت با چنین ادعایی است. همان‌طور که اشاره شد، رئیس‌جمهور امریکا به صراحت اعلام داشته است که «او [سردار سلیمانی] باید سال‌های پیش از این، حذف می‌شد». جان بولتون مشاور اسبق سیاست خارجی امریکا نیز در توییت ناشیانه‌ای اعلام داشته است که امریکا قتل سردار سلیمانی را «از مدت‌ها پیش تدارک می‌دیده است». با این اظهارات دولت امریکا به سختی می‌تواند حمله به سردار سلیمانی را به‌عنوان دفاع پیش‌دستانه در برابر حمله فوری و قریب‌الوقوع از سوی او توجیه نماید. نتیجه آنکه حمله سوم ژانویه امریکا به فرمانده ارشد ایران در قالب حقوق توسل به زور و حقوق درگیری‌های مسلحانه قابل توجیه نیست (عبداللهی، ۱۳۹۸ قابل دسترس در: <https://www.tabnak.ir/fa/news/949272>)

از طرفی می‌توان شرایط و چگونگی استناد به دفاع مشروع را در تحلیل قضیه اخیر، از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه سکوه‌های نفتی نیز وام گرفت. ایران مدعی بود که بار اثبات وجود حمله مسلحانه که بتواند دفاع مشروع از جانب امریکا را توجیه نماید، برعهده این کشور می‌باشد. این یک قاعده حقوقی پذیرفته‌شده است که طرفی که به یک استثناء نسبت به قواعد عام استناد می‌کند، باید از بار اثبات آن برآید. در این رابطه قاعده عام، ممنوعیت استفاده از زور و استثناء وارده بر آن دفاع مشروع می‌باشد. دیوان نیز در رأی ماهیتی، بار اثبات را برعهده امریکا دانست. رویه‌ای که دیوان در قضیه نیکاراگوا نیز اتخاذ کرده بود. «... شکی وجود ندارد کشوری که به دفاع مشروع استناد می‌کند، باید با توجه به امور موضوعی، وضعیت دفاع مشروع را ثابت نماید» (I.C.J Reports, 1986: 107). دیوان نتیجه گرفت که امریکا از بار اثبات این مسئله برنیامده و وجود حمله مسلحانه علیه خود را نشان نداده است. همچنین نتوانسته ثابت نماید که ایران در خصوص حمله موشکی به کشتی «سی آیل سیتی»^۱ مسئول می‌باشد تا امریکا بتواند حملات خود را در قالب دفاع مشروع توجیه نماید. در خصوص حمله به کشتی مزبور دیوان نتیجه گرفت که: با در نظر گرفتن مجموع این وقایع به نظر نمی‌رسد که این حمله تشکیل‌دهنده حمله مسلحانه علیه امریکا باشد. در رابطه با حمله به کشتی «ساموئل بی رابرتس»^۲ دیوان متذکر شد که دلیل متقاعدکننده و قطعی در خصوص اثبات انتساب این حمله به ایران وجود ندارد. در قضیه نیکاراگوا دیوان به برخی قرائن اعتبار بیشتری داده،

1. Sea Isle City

2. Samuel. B. Roberts

ولی در این قضیه معتقد است هیچ ادله مستقیمی وجود ندارد (Crawford, J., 2002). کما اینکه در قضیه ترور شهید سلیمانی نیز آمریکا هیچ ادله‌ای نسبت به دست داشتن وی در اقدامات تروریستی یا کشتن سربازان آمریکایی و ادعاهایی از این دست ارائه نداده است؛ به این ترتیب هیچ‌گونه ادله‌ای مبنی بر حمله مسلحانه به سرکردگی وی علیه پایگاه‌ها یا سربازان آمریکایی انجام نشده که این کشور بتواند به دفاع استناد نماید. بنابراین این ادعای آمریکا با استناد به رویه دیوان و مقررات بین‌المللی از جمله منشور سازمان ملل قابل پذیرش نبوده و فعل متخلفانه عمل «کشتن خودسرانه» یا «ترور» منتسب به دولت آمریکا است.

۲. نقض تعهدات بین‌المللی از سوی آمریکا

نقض، یکی از دو عنصر اساسی عمل متخلفانه بین‌المللی، یعنی مفهومی در قلب رژیم مسئولیت دولت است (کرافورد، ۱۳۹۵: ۲۸۱). ماده ۱۲ پیش‌نویس مسئولیت دولت مقرر می‌کند: «هنگامی نقض تعهد بین‌المللی دولت محقق می‌شود که فعل دولت، منطبق با آنچه که تعهد مقرر می‌کند، نباشد، فارغ از اینکه منشأ یا ماهیت تعهد چیست». حال بایستی به تحلیل این موضوع پرداخته شود که دولت آمریکا با انجام عملیات ترور سردار سلیمانی کدام تعهدات بین‌المللی را نقض کرده است.^۱

– نقض اصل منع توسل به زور

از نظر توصیف حمله سوم ژانویه، بی‌تردید باید حمله را یک «توسل به زور» مغایر منشور سازمان ملل متحد و حقوق بین‌الملل عرفی دانست. بند ۴ ماده ۲ منشور به صراحت هرگونه توسل به زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی، استقلال سیاسی و مغایر با اهداف منشور را ممنوع کرده است. این توسل به زور نه تنها علیه حاکمیت عراق است، بلکه حاکمیت ایران را نیز هدف قرار داده است (عبدالهی، ۱۳۹۸). آمریکایی‌ها در عراق، در پی تجاوز نظامی سال ۲۰۰۳ و بدون مجوز شورای امنیت سازمان ملل متحد وارد این کشور شده و تاکنون به بهانه‌های مختلف از جمله توافقنامه امنیتی میان دو کشور، از آنجا خارج نشده‌اند. توافقنامه امنیتی که در سال ۲۰۰۹ (سופا) امضا شده^۲ و بر اساس آن نیروهای آمریکا باید تا ۳۱ دسامبر سال ۲۰۱۱ از خاک عراق خارج می‌شدند، ولی به بهانه مبارزه با

۱. عمل تروریستی دولت آمریکا نقض آشکار قطعنامه ۱۲۶۹ مصوب ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹، قطعنامه ۱۳۶۸ مصوب ۲۰۰۱، قطعنامه ۱۳۷۳ مصوب ۲۸ سپتامبر ۲۰۰۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد است.

۲. پس از خاتمه اشغال رسمی عراق، حضور نیروهای آمریکا در عراق با انعقاد «موافقت‌نامه میان آمریکا و جمهوری عراق راجع به خروج نیروهای آمریکایی از عراق و سازمان‌دهی فعالیت‌های این نیروها در دوران حضور موقت آنها در عراق» موسوم به موافقت‌نامه سופا در سال ۲۰۰۹ تداوم یافته است.

گروه تروریستی داعش و البته درخواست عراق، در این کشور ماندگار شدند. توافق‌نامه‌ای که به موجب آن، امریکایی‌ها می‌بایست تمامی تحرکات نظامی خود در خاک عراق را با هماهنگی دولت مرکزی انجام دهند؛ اما در کمال تعجب و در نهایت تخاصم و البته برخلاف توافق‌نامه، به مواضع و محل رفت‌وآمد نیروی نظامی رسمی عراق (حشد الشعبی) حمله کرده و حاکمیت و امنیت عراق را نقض نموده است. اقدامی که نقض آشکار توافق‌نامه امنیتی میان دو کشور تلقی می‌شود (نقض بند ۱ ماده ۲۷). چراکه در هیچ موردی از آن دیده نمی‌شود که امریکایی‌ها مجوزی برای اقدام نظامی علیه حاکمیت و امنیت ملی عراق و نیروهای نظامی این کشور داشته باشند و بتوانند دست به اقدام‌های خودسرانه نظامی در این کشور بزنند. حملات امریکا علیه حشد الشعبی که نیروی نظامی کاملاً رسمی در عراق محسوب می‌گردند و تحت‌امر فرمانده کل نیروهای مسلح این کشور می‌باشند، علاوه بر نقض آشکار توافق‌نامه امنیتی امضا شده میان دو کشور، نقض اصل عدم‌توسل به‌زور به‌عنوان قاعده امره بین‌المللی نیز محسوب می‌گردد. منشور ملل متحد، سه استثنا را بر منع مطلق توسل به‌زور شناسایی کرده است که عبارتند از: ۱. اقدام نظامی بر اساس نظام امنیت جمعی (ماده ۴۳) ۲. دفاع مشروع (ماده ۵۱) ۳. رضایت بر تهدید و کاربرد زور؛ و از آنجا که حمله پهباد امریکایی به سردار شهید سلیمانی، ابومهدی مهندس و همراهانشان، در چهارچوب هیچ‌کدام از استثنائات ذکرشده قرار نمی‌گیرد. لذا این اقدام به‌روشنی در تضاد آشکار با این اصل مهم و اساسی منشور یعنی منع توسل به زور دولت‌ها قرار می‌گیرد؛ موضوعی که در نظام حقوق بین‌الملل اکیداً ممنوع است (منتظران، ۱۳۹۸).

از سوی دیگر از آنجایی که ایران و امریکا در وضعیت مخاصمه مسلحانه قرار نداشته و ندارند از این‌رو اعمال قواعد جنگ نیز در این عملیات قابل استناد نبوده و در زمان صلح انجام پذیرفته که در نقض آشکار با بند ۴ ماده ۲ منشور و نیز نص صریح موافقت‌نامه مزبور است که اشعار می‌دارد: «سرزمین، دریا، و هوای عراق نباید محلی برای حمله یا عبور برای حمله علیه سایر دولت‌ها، مورد استفاده قرار بگیرد» (قابل دسترس در: <http://css.ir/fa/content/115001>)

– نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله

بر مبنای اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، کشورها متعهد شده‌اند از دخالت و استفاده از زور در امور داخلی همدیگر اجتناب ورزند و به حاکمیت ملی یکدیگر احترام بگذارند. بررسی رویه شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز این مهم را به اثبات می‌رساند که اصل احترام به حاکمیت سرزمینی دولت‌ها خدشه‌ناپذیر بوده و تنها در جهت اعاده صلح و امنیت بین‌المللی می‌توان (آن هم به‌صورت موقت) محدودیت‌هایی در این



راستا اعمال کرد (4: Rattan, 2019). در پی اقدام آمریکا در ترور فرماندهان نظامی عراق و ایران، عادل عبدالمهدی، نخست‌وزیر عراق تصریح کرده است: «ترور مقامات بلندپایه عراقی یا ترور مقامات کشوری دوست، نقض آشکار حاکمیت عراق به‌شمار می‌رود». چراکه این حمله تجاوز به حریم حاکمیت سرزمینی عراق است (منتظران، ۱۳۹۸). عراق به‌عنوان یک کشور مستقل که دارای دولت مستقل بوده و یکی از اعضای سازمان ملل متحد است، مثل هر کشور دیگری دارای حق حاکمیت است. اقدام هوایی آمریکا برای تدارک ترور و ورود به حریم هوایی عراق، نقض حق حاکمیت دولت و ملت عراق است. باید توجه داشت که حمله مسلحانه به مسئولین و دولتمردان یک کشور در زمره حمله به حاکمیت آن کشور تلقی می‌گردد؛ خواه این افراد نظامی یا غیرنظامی باشند؛ لذا اقدام اخیر امریکایی‌ها در حمله به اتومبیل حامل سردار سلیمانی و همراهان ایشان در مرحله اول ناقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت عراق و به‌تبع آن ناقض اصل عدم‌مداخله است. اقدام نیروهای امریکایی در هدف قراردادن فرماندهان نظامی دو کشور ایران و عراق در خاک عراق، مداخله نامشروع، نقض حاکمیت عراق و نقض حاکمیت ایران تلقی می‌گردد. (قابل دسترس در: <http://css.ir/fa/content/115001>) با این وجود باید اشاره کرد که اقدام آمریکا در تروریستی‌دانستن سپاه کاملاً غیرعقلانی و خلاف مقررات بین‌المللی است. سپاه جزئی از حاکمیت رسمی ایران به‌حساب می‌آید و بر اساس ماده ۲ کنوانسیون سازمان ملل متحد در خصوص مصونیت‌های قضایی دولتها و اموال آنها این امکان برای آمریکا وجود ندارد که به پیگرد کیفری دولت ایران از طریق محاکم داخلی بپردازد. از سوی دیگر، بر اساس ماده ۵ همین کنوانسیون، محاکم داخلی آمریکا نمی‌توانند اقدامات قضایی علیه سپاه پاسداران که رکنی از حکومت جمهوری اسلامی ایران است، لحاظ کنند و این نهاد و اعضای آن را مورد پیگرد قضایی و قانونی قرار دهند. لذا فرض تروریستی‌دانستن سپاه در توجیه اقدامات خصمانه علیه آن، خالی از وجه است و در حالی که هیچ نهاد بین‌المللی من‌جمله شورای امنیت، سپاه را دارای وصف تروریستی نمی‌داند، آمریکا نمی‌تواند به‌طور یک‌جانبه آن را تروریستی اعلام کرده و به نبرد با آن بپردازد. ضمن اینکه سپاه یک رکن نظامی اصلی ایران است و قوانین کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو بر نیروهای نظامی و روابط سازمانی آن حکم‌فرما است و امکان تروریستی تلقی کردن آن وجود ندارد. از این رو بنا بر استدلالات فوق از نظر توصیف حمله سوم ژانویه، بی‌تردید باید حمله را یک «توسل به زور» مغایر منشور و نقض آشکار حاکمیت ایران دانست.



بنا به آنچه که در بند (e ماده ۳) قطعنامه در تعریف تجاوز مجمع عمومی (۳۳۱۴) دسامبر ۱۹۷۴) آمده است اگر دولتی که با توافق دولت پذیرنده در سرزمین آن دولت حاضر است، در مغایرت با شرایط مقرر در موافقت‌نامه متوسل به نیروی مسلح شود، این عمل صرف‌نظر از اعلام یا عدم اعلام جنگ، از مصادیق تجاوز خواهد بود. به نظر می‌رسد که با توجه به عدم رضایت دولت عراق به حمله به کاروان شهید سلیمانی و همراهانش از سویی و همچنین اعلام محکومیت این اقدام از سوی مسئولان عراقی، می‌توان حمله مزبور را از مصادیق «تجاوز» در حقوق بین‌الملل خواند که برای دولت عراق حق دفاع مشروع را به‌دنبال خواهد داشت. البته با در نظر گرفتن روابط دولت عراق با دولت امریکا بعید به نظر می‌رسد که به این حق متوسل شود؛ اما می‌تواند مقدمه ای برای خاتمه‌دادن به حضور نیروهای امریکایی در عراق باشد.

- تروریسم دولتی

توسل به دیدگاه غیرقانونی «ترور یا قتل هدفمند»^۱ یکی از دفاعیات حقوقی است که ممکن است امریکا در ترور شهید سلیمانی به آن استناد کند. در این رابطه نیز باید توجه داشت که این موضوع تنها از سوی رژیم صهیونیستی و دولت امریکا به تحقق پیوسته و در نظام حقوق بین‌الملل موضوعه، جایگاهی ندارد. قتل هدفمند به‌بهانه مبارزه با تروریسم با مخالفت تعداد قابل‌توجهی از حقوق‌دانان مواجه شده و آن را اقدامی سیاسی می‌دانند. علی‌رغم آنکه قتل هدفمند از منظر حقوق بین‌الملل غیرقابل قبول می‌باشد، اما با فرض تأیید این تئوری قتل هدفمند علیه اشخاصی صورت می‌پذیرد که اداره بازیگر غیردولتی در دست او است (Schmitt, 1992: 618) و نه ترور فرمانده رسمی یکی از نیروهای نظامی دولت مستقل و آن هم در زمان غیر از مخاصمه مسلحانه بین‌المللی. اگنس کالامارد گزارشگر ویژه سازمان ملل، در رشته توییت‌های خود در این خصوص اشاره داشته است که اقدام به ترور هدفمند، هیچ انطباقی با حمله قریب‌الوقوع ندارد که حقوق بین‌المللی برای توجیه اقدام در جهت دفاع از خود ضروری می‌داند. از منظر کالامار استفاده از پهپادها و سایر تجهیزات نیز برای ترور هدفمند به‌هیچ‌وجه قانونی نیست. بر اساس قوانین بین‌الملل حقوق بشر، استفاده از تسلیحات مرگ‌بار تنها زمانی می‌تواند مورد استفاده قرار بگیرد که برای دورکردن یک تهدید جدی به این تجهیزات نیاز اساسی وجود داشته باشد. زمانی یک دولت می‌تواند اقدام خود را برای قتل هدفمند توجیه کند که، اولاً؛ هیچ راهکار دیگری که غیرخون‌بار و غیرکشنده باشد در دسترس نباشد، ثانیاً؛ در پرتوی اصل ضرورت اقدام



نظامی، مزیت نظامی حاصل از عملیات مزبور در سایه اصول تناسب و احتیاط در حقوق بشردوستانه بین‌المللی قابل توجیه باشد. با توجه به فقدان این دو معیار، به نظر می‌رسد حقوق بشردوستانه بین‌المللی، قتل هدفمند آمریکا را تأیید نمی‌کند. آنچه مشخص است، آمریکا با این ترور هدفمند، فرماندهانی را هدف قرار داده که در طول سال‌های گذشته ضربات سنگینی به تروریست‌های داعش وارد نموده بودند. هدف قراردادن سردار سلیمانی، ابومهدی مهندس و همراهانشان، مصداق بارز تروریسم بین‌الملل است. به عبارت دیگر، آمریکا در حالی اقدام به هدف‌گیری مستقیم و شهادت سردار قاسم سلیمانی و ابومهدی مهندس و همراهانشان کرده بود که دولت‌های آمریکا و عراق و ایران، به‌رغم همه بحران‌های روابط میان ایران و آمریکا، در جنگ نیستند؛ لذا این حمله و کشتار، مصداق بارز ترور است و جنایت تروریسم دولتی از سوی دولت آمریکا صورت گرفته است. اگر از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه نیز موضوع را ملاک قرار دهیم، به دلیل اینکه ایران و آمریکا به صورت رسمی در جنگ با هم نیستند، لذا هدف‌گرفتن یک مقام ایرانی، آن هم به صورت آگاهانه، به عنوان یک رفتار در زمان جنگ تلقی نشده، بلکه به صورت قطعی این اقدام تروریستی است (قابل دسترس در: <http://css.ir/fa/content/115001>).

– نقض حقوق بشر

تجاوز امریکایی‌ها در حمله به کاروان سردار سلیمانی، ناقض اصل احترام به رعایت حقوق بشر و حق حیات نیز هست، زیرا علاوه بر به شهادت رساندن شهیدان سلیمانی و ابومهدی مهندس، جان افراد بی‌گناه دیگری نیز در این حمله گرفته شد که هیچ اتهامی متوجه آنها نبوده است. از جمله قواعد حقوق بشری که می‌توان در این رابطه مورد بررسی قرار داد، بند ۱ ماده ۶ میثاق حقوق مدنی و سیاسی در رابطه با حق حیات است. محرومیت از حق حیات افراد، حتی در زمان مخاصمات مسلحانه نیز ممنوع است و به عنوان حق اساسی انسانی شناخته شده است (منتظران، ۱۳۹۸). بر اساس قواعد حقوق بشر استفاده از نیروی مهلک عامدانه و یا بالقوه تنها زمانی الزام‌آور است که فرد یا افراد مورد نظر، تهدیدی قریب‌الوقوع برای حیات انسان‌های دیگر به‌شمار آیند؛ بنابراین از آنجا که حمله قریب‌الوقوع و در حین انجامی از جانب سردار سلیمانی صورت نگرفته بود، و سند موثقی نیز در این مورد وجود ندارد تا طرف امریکایی بر مبنای آن ادعا کند که ضرورت ایجاد می‌کرده برای حفظ جان خود به سرعت برای دفع خطر وی، وارد عمل شوند؛ لذا محروم کردن سردار سلیمانی و همراهانش از حق حیات، با توسل به راهبرد ترور هدفمند از سوی آمریکا، اقدامی خودسرانه، غیرقانونی و نامشروع است. اقدامی که از آن می‌توان به عنوان نقض اصول اساسی حقوق بین‌الملل از جمله منع سلب حیات به عنوان قاعده آمره و



متعاقب آن، نقض حقوق بشر دانست. به عبارت دیگری می‌توان گفت: تنها در دو حالت کاملاً استثنایی، سلب حیات را از سوی دولت می‌توان توجیه کرد: یکی صدور مجازات اعدام برای شدیدترین جنایت‌ها با رعایت آیین دادرسی عادلانه و دوم شلیک از سوی پلیس به منظور دفاع مشروع از جان خود یا آحاد جامعه. در صورت اخیر هرگونه توسل به سلاح آتشین از سوی پلیس باید «ضرورت داشته و متناسب باشد». در این موضوع نیز هیچ‌یک از حالت‌های استثنایی قابل استناد نخواهد بود. از این رو می‌توان چنین استدلال کرد که اقدام امریکا اولاً، نقض خودسرانه حق حیات مطابق موازین حقوق بشر بوده و ثانیاً، اگر هم استدلال‌های امریکا در خصوص اقدامات سردار سلیمانی که ادعا می‌کند «نوعی جنایت» است درست باشد، ترور صورت گرفته «اعدام فراقضایی» است. بنابراین «کشتن» فرماندهان نظامی یک کشور در زمان صلح اگر در چهارچوبی که توضیح دادیم قرار نگیرد، از لحاظ قواعد حقوق بین‌الملل دارای وجهت قانونی و مشروعیت حقوقی نیست.

۳. جبران خسارت و قابلیت طرح دعوی

تعهد به جبران خسارت وارده به دولت زیان‌دیده تعهد کلی دولتی است که، مرتکب فعل متخلفانه بین‌المللی شده است. در این خصوص ماده ۳۱ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت اشعار می‌دارد: «۱. دولت مسئول متعهد است که زیان ناشی از فعل متخلفانه بین‌المللی را به‌طور کامل جبران کند...» حال بایستی اقدامات و عملکرد حقوقی و قضایی ایران را نسبت به این موضوع با توجه به ظرفیت‌های نظام حقوق بین‌الملل بررسی کنیم. تبیین این موضوع در دو سناریو قابل پیگیری است. اول اینکه، از طریق مراجع قضایی پیگیری گردد و دوم اینکه، ایران منافع خود را در طیف وسیعی با توسل به دکترین «خودیاری» پیش ببرد. در خصوص سناریوی اول، برخی راهکارها از جمله مراجعه به مراجع بین‌المللی و مراجع داخلی (در ایران، عراق و امریکا) مطرح شده است. حال بایستی دید تا چه میزان امکان حصول نتیجه مطلوب از طریق مراجع قضایی وجود دارد.

– امکان‌سنجی طرح دعوی از طریق مراجع داخلی ایران، عراق و امریکا

ایران می‌تواند با استناد به ماده ۴۹ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، به اقدامات متقابل متوسل شود. بر اساس «قانون طرح تقویت جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر امریکا» ظرفیت‌های حقوقی متنوعی جهت انجام «اقدام متقابل» ذکر شده است. براساس این قانون، ستاد فرماندهی مرکزی امریکا در منطقه (سنتکام) و سازمان‌ها و نهادهای تحت آن فرماندهی، سازمان‌های تروریستی هستند؛ که می‌توان اشخاص و نهادهای تحت این فرماندهی را در صورت ارتکاب اقدام تروریستی تحت تعقیب قضایی قرار



داد؛ همچنین ماده ۷ این قانون اذعان می‌دارد: «کلیه کشورها و اشخاص حقیقی و حقوقی که به هر نحوی علیه سپاه و کارکنان آن در هر نقطه از دنیا اقدام تروریستی انجام دهند، مشمول عمل متقابل می‌شوند». آنچه بسیار دیده شده این است که: «هرگونه اقدام متقابلی را برای کشور قربانی مجاز تلقی می‌کنند»، در حقوق بین‌الملل پذیرفته شده نیست و در واقع اقدامات متقابل تنها به اقداماتی غیرقهری (غیرنظامی) اطلاق می‌شوند که با رعایت اصول ضرورت و تناسب می‌توان به آن دست یافت. در همین چهارچوب می‌بایست بیان کرد که اقدامات تلافی‌جویانه و مقابله‌به‌مثل (قهرآمیز) در حقوق بین‌الملل جایی نداشته و به رسمیت شناخته نمی‌شوند. این‌گونه اقدامات می‌تواند برای کشور مسئول، تبعات حقوقی در پی داشته باشد. فلذا می‌توان اقدامات متقابل را در دو بعد بررسی کرد. اول اینکه، ایران می‌تواند با طرح موضوع در مراجع قضایی خود با صدور احکام متناسب و مستند به قوانین بین‌المللی و داخلی وجهه قانونی و مشروع به اقدامات اجرایی خود ببخشد. دقیقاً همان رویه‌ای که آمریکا در پیش گرفته است. دوم اینکه، با توجه به ضعف مکانیسم‌های بین‌المللی و سیاسی‌کاری نهادهای سازمان ملل در قبال اقدامات آمریکا، ایران می‌تواند با استناد به دکترین «خودپاری» (Self - help) و با ارزیابی نتایج و آثار اقداماتی که باید انجام دهد، به تضمین و پیگیری حقوق خود بپردازد. به‌طور مثال: حمله موشکی ایران به نیروهای آمریکایی در پایگاه عین‌الاسد در استان الانبار عراق و پایگاهی در اربیل را می‌توان در قالب دکترین خودیاری قانونی و مشروع دانست. حال در قالب نخست اقدام متقابل (توسل به مراجع قضایی داخلی) بایستی گفت: دادگاه‌های جمهوری اسلامی ایران به‌موجب اصل صلاحیت شخصی منفعّل دارای صلاحیت می‌باشند. در خصوص طرح دعاوی در محاکم صالحه جمهوری اسلامی ایران، مستنداً می‌توان به قوانین و مقررات آن من‌جمله: قانون صلاحیت دادگستری جمهوری اسلامی ایران برای رسیدگی به دعاوی مدنی علیه دولت‌های خارجی، مصوب ۱۷ اسفند ۱۳۹۰ مجلس شورای اسلامی و آیین‌نامه اجرایی آن و همچنین قانون الزام دولت به پیگیری جبران خسارات ناشی از اقدامات و جنایات آمریکا علیه ایران و اتباع ایرانی، مصوب ۲۸ اردیبهشت ۱۳۹۵ مجلس شورای اسلامی اشاره کرد. مانعی که در این خصوص وجود دارد، بحث مصونیت رئیس‌جمهور و مقامات دیگر آمریکا است که البته استثنائات قابل‌تأملی وجود دارد که در خصوص مستند قانونی بودن طرح دعوی کیفری می‌توان به قانون مجازات اسلامی متوسل شد.

«ماده ۵ قانون مجازات اسلامی:

هر شخص ایرانی یا غیرایرانی که در خارج از قلمروی حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم زیر یا جرائم مقرر در قوانین خاص گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران



الف - اقدام علیه نظام، امنیت داخلی یا خارجی، تمامیت ارضی یا استقلال جمهوری اسلامی ایران ...

ماده ۸ قانون مجازات اسلامی:

هرگاه شخص غیرایرانی در خارج از ایران علیه شخص ایرانی یا علیه کشور ایران مرتکب جرمی به‌جز جرائم مذکور در مواد قبل شود و در ایران یافت و یا به ایران اعاده گردد، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران به جرم او رسیدگی می‌شود.»

مراجعه به مراجع قضایی عراق به‌عنوان گزینهٔ محتمل دیگر مطرح است. مطابق پاراگراف ۶ از بخش دوم قانون جزای عراق که اصل سرزمینی‌بودن جرم و مجازات را به رسمیت می‌شناسد و از آنجایی که محل وقوع جرم قلمرو سرزمینی عراق بوده است، به‌همین دلیل دادگاه‌های عراق صلاحیت رسیدگی دارند. با این وجود طرح شکایت در مراجع قضایی عراق دارای اشکالات عدیده‌ای است. با توجه به موافقت‌نامهٔ ۲۰۰۹ میان دولت‌های عراق و آمریکا (بند ۵ مادهٔ ۴) و نیز به‌موجب بند ۱ مادهٔ ۲۷ که دولت آمریکا به‌صراحت از استفاده از قلمرو دولت عراق برای حمله به کشورهای ثالث منع شده است، دولت عراق می‌توانست با استناد به قطعنامهٔ تعریف تجاوز مصوب ۱۹۷۴ مجمع عمومی ملل متحد که تا حدود زیادی حالت عرفی پیدا کرده، اقدام اخیر آمریکا در هدف‌قراردادن حشدالشعبی و نیز فرماندهان ایرانی را مصداق روشن عملی تجاوزکارانه و خلاف قراردادهای قبلی تفسیر کرده و در پی پاسخ برآید. این پاسخ می‌توانست مستند به دفاع مشروع شود و با اقدامات قهرآمیز یا غیرقهرآمیزی چون اعلام خروج هرچه سریع‌تر نیروهای آمریکایی از خاک این کشور را در بر گیرد؛ اگر کشور عراق در خصوص واکنش به نقض حاکمیت این کشور توسط آمریکا مصمم بود، حداقل به اقدامات غیرقهرآمیزی از این قبیل متوسل می‌شد. بنابراین به نظر نمی‌رسد مراجع قضایی عراق که طبیعتاً ذیل خط‌مشی سیاست‌های چندپارهٔ حکومت خود عمل می‌کند، ظرفیت صدور حکم قاطعی در این پرونده داشته باشد.

اما به‌عنوان گزینهٔ سوم که می‌توان تحت مراجعه به مراجع قضایی آمریکا مطرح کرد، بایستی اذعان داشت که قانون اجازهٔ توسل به زور نظامی علیه تروریست‌ها AUMF به رئیس‌جمهور آمریکا مجوز توسل به زور ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی که او احراز می‌کند حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را برنامه‌ریزی، تجویز، ارتکاب یا مساعدت کرده‌اند اعطا کرد. با توجه به اینکه آمریکا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست گروهک‌های تروریستی قرار داده است، از منظر قوانین این کشور این اقدام نه‌تنها



جرم نبوده بلکه در راستای اجرای قانون اخیر تفسیر خواهد شد و علاوه بر آن، در مورد رئیس‌جمهور مصونیت‌ها و محدودیت‌های شکلی زیادی در قوانین این کشور وجود دارد. باید توجه داشت بر اساس قانون اساسی امریکا دستور حمله مسلحانه با رئیس‌جمهور است؛ و اگر ارتکاب عملیات نظامی تبعاتی برای امریکا داشته باشد اخذ مجوز از کنگره توسط رئیس‌جمهور الزامی است. رئیس‌جمهور امریکا در دستور به حمله خودروی حامل شهید سلیمانی و همراهانش مجوزی را از کنگره دریافت نکرده است؛ در صورتی که اقدام امریکا تبعات جدی برای این کشور به دنبال داشته است، با این حال در به نتیجه رسیدن شکایت در محاکم داخلی امریکا با توجه به رویه دولت امریکا امری به دور از ذهن می‌باشد. از موضوعات قابل توجه در این رابطه فارغ از حصول نتیجه، می‌توان به صدور نیابت قضایی از سوی دستگاه قضایی کشور ایران به دستگاه قضایی امریکا جهت محاکمه آمران، معاونان و مباشران ترور شهید سلیمانی می‌باشد که حداقل تأثیر این اقدام می‌تواند نشان‌دهنده عدم استقلال و عدم اجرای عدالت توسط سیستم قضایی امریکا باشد.

– امکان سنجی مراجعه و طرح دعوی در مراجع بین‌المللی

استفاده از مکانیسم‌های بین‌المللی و مراجعه به مراجعشان، در این موضوع می‌توان با توجه به ماهیت و اختیارات آنها به روش‌های حقوقی و سیاسی تقسیم کرد. ذیل این بحث به ارزیابی و تحلیل مورد به مورد مراجع محتمل مورد بررسی قرار خواهد گرفت؛ لیکن پیشنهاد می‌شود ابتدا وزارت امور خارجه ایران مکرراً طی بیانیه‌هایی به نهادها و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح، این نکته را یادآور شود که «کافی است تصور کنیم رواج چنین رفتاری از سوی دولت‌ها برای استفاده از هواپیماهای بدون سرنشین برای آزمایش برداشتن شخصیت‌های برجسته سیاسی و نظامی خارجی مخالف خود، آن هم در سرزمین دولت‌های ثالث چه هرج و مرجی به پا می‌کند و موجبات برهم‌ریختن نظم حقوقی مستقر در جهان را فراهم می‌کند». واکنش جامعه بین‌المللی نسبت به این موضوع، ظرفیت‌هایی بین‌المللی را در قبال اقدامات خصمانه امریکا، مورد آزمون قرار دهد، که این موضوع می‌تواند نقشه راه ایران را در آینده نسبت به چگونگی استفاده از مکانیسم‌های بین‌المللی روشن سازد.

– دیوان بین‌المللی دادگستری

در خصوص ارجاع موضوع به دیوان بین‌المللی دادگستری بین حقوق‌دانان کشور اختلاف نظر وجود دارد. از یک سو برخی بر این باور هستند که، امکان احراز صلاحیت برای رسیدگی در دیوان وجود نخواهد داشت؛ در اثبات این ادعا بایستی اذعان کرد: دولت‌های جمهوری اسلامی ایران و امریکا صلاحیت اجباری دیوان را نپذیرفته‌اند و چنانچه از



اساسنامه دیوان برمی‌آید مبنای صلاحیت این دیوان توافق طرفین اختلاف برای ارجاع اختلاف است. از آنجا که امریکا از عهدنامه مودت ۱۹۵۵ خارج شد، دیگر مبنای توافقی بین دو کشور برای ارجاع پرونده به این دیوان مطابق ماده ۳۶ اساسنامه وجود ندارد. در مقابل، برخی نیز بر این باور هستند که مطابق کنوانسیون راجع به پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص حمایت‌شده بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک، ۱۹۷۳ می‌توان مبنای صلاحیتی دیوان را اثبات نمود. مطابق بند ۱ از ماده ۱۳ این کنوانسیون «هر اختلاف بین دو یا چند کشور طرف رابطه با تفسیر یا اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره حل و فصل نشود، باید به درخواست هر یک از آنها به داوری ارجاع داده شود. اگر ظرف شش‌ماه از تاریخ درخواست داوری، طرف‌ها نتوانند در مورد ساختار داوری به توافق برسند، هر یک از این طرف‌ها می‌تواند اختلاف را به دیوان بین‌المللی دادگستری بر طبق اساسنامه ارجاع دهد» و این در حالی است که امریکا، ایران و عراق هر سه طرف این کنوانسیون می‌باشند؛ البته دولت عراق ماده مرتب با صلاحیت دیوان را نپذیرفته است. با این وجود به نظر می‌رسد اولاً، قابلیت تفسیر این ترور در قالب مفاد این کنوانسیون، با چالش جدی مواجه است و بعید به نظر می‌رسد که بتوان مطابق اساسنامه دیوان، صلاحیت آن را برای رسیدگی تنها با استناد به این ماده از کنوانسیون اثبات نمود؛ به علاوه اینکه شرط اولیه این ماده توسل به شیوه مذاکره و داوری است که با در نظر گرفتن رابطه کنونی جمهوری اسلامی ایران و امریکا تحقق این موضوع نیز با موانع متعددی همراه خواهد بود. ثانیاً، بیشتر حقوق دانان کشورمان بر این باور هستند که تنها مستند قانونی جهت احراز صلاحیت دیوان، عهدنامه مودت بود که با خروج امریکا عملاً طرح دعوی منتفی خواهد بود.

- دیوان بین‌المللی کیفری

علی‌رغم آنکه در دیباچه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است جنایاتی که موجب اضطراب جامعه بین‌المللی است، نباید بدون مجازات بماند، بلکه لازم است تعقیب مؤثر مرتکبین جنایات در سطح ملی و نیز تقویت همکاری بین‌المللی تضمین گردد؛ اما رسیدگی به جنایات بین‌المللی در این دیوان با موانع متعددی همراه است. اعمال صلاحیت دیوان می‌تواند به اعتبار عضویت دولت‌های عضو اساسنامه و یا ناشی از اعتبار اختیار شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. آنچه مسلم است دیوان فاقد صلاحیت جهانی است چرا که مجازات مرتکبانی در این محکمه امکان‌پذیر است که جرم در قلمرو سرزمین دولت عضو به وقوع پیوسته باشد و یا اینکه توسط اتباع یکی از دولتهای عضو اساسنامه دیوان صورت پذیرد. جنایاتی که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن را دارد شامل



پیگیری پرونده قضایی شهید سلیمانی و همراهانش در دیوان بین‌المللی کیفری با ملاحظات خاصی همراه است. شاید بتوان گفت اقدام آمریکا از نظر مسئولیت کیفری، طبق بند ۲ ماده ۵ اصلاحی اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، جنایت محسوب می‌شود و رئیس جمهوری آمریکا و سایر عاملان (مباشران و معاونان) این اقدام در مراجع ذی‌صلاح قابل تعقیب کیفری هستند؛ لیکن دیوان تنها نسبت به جرایم واقع‌شده توسط اتباع یک دولت عضو و یا دولتی که صلاحیت دیوان را به‌صورت موردی می‌پذیرد دارای صلاحیت است؛ اما صلاحیت شخصی دیوان شامل جرایم واقع‌شده علیه تبعه یک دولت عضو یا دولتی که صلاحیت دیوان را می‌پذیرد، نخواهد داشت. در ترور شهید سلیمانی، ایران دولت متبوع قربانی است و از این جنبه نمی‌تواند صلاحیتی به دیوان اعطا و تفویض کند. در مقابل، دولت عراق می‌تواند صلاحیت دیوان را مورد پذیرش قرار بدهد و از این رهگذر مسیر مداخله دیوان در این حادثه را هموار کند. در اینجا، دیپلماسی حقوقی ایران شاید مایل باشد که از طریق رایزنی دولت عراق را تشویق و توصیه به پذیرش صلاحیت دیوان برای امکان تعقیب بین‌المللی آمران و عاملان این ترور کند. از این‌رو دیوان کیفری بین‌المللی مرجعی است که می‌تواند به مسئولیت کیفری عاملان جنایت رسیدگی کند؛ البته دیوان هم، زمانی می‌تواند ورود کند که حداقل یکی از کشورهای محل جنایت یا متبوع متهم، اساسنامه دیوان را پذیرفته باشند که فعلاً هیچ یک از دول ذی‌ربط این قضیه، عضو دیوان نیستند؛ آشکار و مبرهن است که آمریکا که سیاست آن به‌خصوص در دوران دولت ترامپ یک سیاست مقابله‌ای با دیوان کیفری بین‌المللی بوده، حاضر نمی‌شود تا دیوان را نسبت به اتهاماتی که متوجه اتباع خود است صاحب صلاحیت کند. در حال حاضر هیچ مبنای بالفعلی برای صلاحیت و ورود دیوان کیفری بین‌المللی به ماجرای ترور شهید سلیمانی وجود ندارد، برای تعمیم صلاحیت دیوان به این ماجرا یک امکان حقوقی وجود دارد که نیازمند همراهی و همکاری دولت عراق است؛ لیکن در پرتو پیشینه رویکرد دولت عراق و ملاحظات سیاسی موجود محقق‌شدن این احتمال نیز بعید به‌نظر می‌رسد. با این حال برخی از حقوقدانان، طرح پرونده را در دیوان بین‌المللی کیفری مطرح کرده و معتقدند، درست است که سه کشور ایران، آمریکا و عراق عضو دیوان کیفری بین‌المللی نیستند، اما بر اساس ظرفیت بند ۳ ماده ۱۳ که از آن به‌عنوان صلاحیت موضوعی یاد می‌شود دولتی که در آن جرم رخ داده است می‌تواند برای رسیدگی به این موضوع خاص در صورتی که بتواند طبق ماده ۶ اساسنامه جرم تجاوز را اثبات کند به دیوان مراجعه کند؛ اما با توجه به آنچه که پیشتر بدان اشاره شد، طرح پرونده از باب صلاحیت رسیدگی تنها

از سوی دادستان و یا شورای امنیت امکانپذیر است. با توجه به عضویت دائم آمریکا در شورا، این امکان منتفی خواهد بود و تنها راه تعقیب قضایی از سوی دادستان دیوان امکانپذیر است که این موضوع نیز به دلیل عدم وجود صلاحیت موضوعی دیوان قابلیت ارجاعی خود را به طریق اولی از دست می‌دهد. بنابراین اساساً نمی‌توان صلاحیت رسیدگی به این موضوع را برای دیوان بین‌المللی کیفری متصور بود.

– مجمع عمومی، شورای امنیت و شورای حقوق بشر

برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که موضوع به مجمع عمومی سازمان ملل یا شورای حقوق بشر ارجاع داده شود؛ که به نظر می‌رسد از این مراجع نیز نهایتاً باید در حد صدور بیانیه انتظار داشت. هرچند طرح موضوع در شورای حقوق بشر محتمل‌تر از سایر مراجع بین‌المللی به نظر می‌رسد (ارائه گزارش از طریق دولت یا خانواده قربانی به شورا و همچنین مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد و برگزاری نشست و ارائه گزارش در شورا به‌ویژه توسط انجمن دفاع از قربانیان تروریسم)، اما ارجاع آن به مجمع عمومی تنها بار سیاسی در برداشته و با توجه به اینکه قطعنامه‌های مجمع دارای جنبه توصیه‌ای است، نمی‌توان در پی حصول نتیجه مطلوب به نفع ایران بود. طبیعتاً برش نظرات اعضای دائم شورای امنیت در جلب نظر سایر اعضای مجمع بیشتر از ایران خواهد بود و اساساً کشورهای اروپایی به نفع آمریکا رأی خواهند داد. این واقعیت در خصوص شورای امنیت نیز صادق است؛ به دلیل وجود حق وتوی آمریکا در شورای امنیت و طبیعتاً همراهی انگلیس و فرانسه با این کشور درصد نتیجه‌گیری در این مرجع را به صفر می‌رساند.

نتیجه‌گیری

با توجه به نص صریح ماده ۴ پیش‌نویس مسئولیت بین‌المللی دولت، ترور شهید سلیمانی توسط آمریکا عمل متخلفانه بین‌المللی بوده که منتسب به دولت آمریکا می‌باشد و نقض تعهدات بین‌المللی از سوی آمریکا از جمله نقض اصل منع توسل به زور، نقض اصل احترام به حاکمیت ملی دولت‌ها و منع مداخله، حمله به‌مثابه تجاوز، تروریسم دولتی و نقض حقوق بشر انجام پذیرفته است. بنابراین شکی در محرز بودن مسئولیت بین‌المللی دولت آمریکا وجود ندارد. اما در باب جبران خسارت که از آثار مسئولیت است بایستی گفت، به دلیل عدم صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی، امکان طرح دعوی در این مرجع قضایی وجود ندارد و طرح دعوی در دیوان بین‌المللی دادگستری با استناد به کنوانسیون راجع به پیشگیری و مجازات جرائم علیه اشخاص حمایت‌شده بین‌المللی از جمله نمایندگان دیپلماتیک، ۱۹۷۳ قابل بررسی می‌باشد اما حصول نتیجه دلخواه متصور نیست. چنان‌که



اشاره شد ارزیابی نتیجه طرح موضوع در مجمع عمومی و شورای امنیت نشان می‌دهد که، امکان حصول نتیجه مطلوب در جهت احقاق حق جمهوری اسلامی ایران وجود نخواهد داشت. با این وجود بر اساس رویه شکایت در شورای حقوق بشر، هر فرد یا گروه که ادعا می‌کند قربانی نقض حقوق بشر است یا اطلاعات مستقیم و موثق از چنین نقض‌هایی دارد، می‌تواند آنها را ارائه دهد. بنابراین طرح موضوع در این شورا محتمل خواهد بود. در مقابل روش دیگر مراجعه به مراجع قضایی داخلی است. هرچند مطابق پاراگراف ۶ از بخش دوم قانون جزای عراق، که اصل سرزمینی بودن جرم و مجازات را به رسمیت می‌شناسد و از آنجا که محل وقوع جرم قلمرو سرزمینی عراق بوده است؛ فلذا دادگاه‌های عراق صلاحیت رسیدگی دارند. با این وجود طرح شکایت در مراجع قضایی عراق دارای اشکالات عدیده‌ای خواهد بود. چراکه روابط عراق با آمریکا از یک‌طرف و عدم وجود اراده سیاسی عراق از طرف دیگر، ظرفیت صدور حکم قاطع از سوی دادگاه‌های عراق را زیر سؤال می‌برد. درخصوص مراجعه به مراجع قضایی آمریکا بایستی اذعان کرد که، قانون اجازه توسل به زور نظامی علیه تروریست‌ها AUMF به رئیس‌جمهور آمریکا مجوز توسل به زور ضروری و متناسب علیه ملت‌ها، سازمان‌ها یا اشخاصی که او احراز می‌کند حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر را برنامه‌ریزی، تجویز، ارتکاب یا مساعدت کرده‌اند اعطا کرد. با توجه به اینکه آمریکا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در لیست گروهک‌های تروریستی قرار داده، از منظر قوانین این کشور این اقدام نه تنها جرم نبوده، بلکه در راستای اجرای قانون اخیر تفسیر خواهد شد. علاوه بر آن در مورد رئیس‌جمهور مصونیت‌ها و محدودیت‌های شکلی زیادی در قوانین این کشور وجود دارد؛ فلذا هیچ منطق حقوقی برای طرح شکایت در محاکم آمریکا وجود ندارد. اما با توجه به ظرفیت‌های قانونی موجود در کشور و صلاحیت دادگاه‌های ایران، به موجب مواد ۵ و ۸ قانون مجازات اسلامی می‌توان از طریق مراجع ایران اقدام کرد. با این وجود ابهام قابل تأمل چگونگی اجرای حکم و جبران خسارت باقی خواهد ماند. فلذا پیشنهاد می‌گردد توأمان به سلسله اقدامات ذیل متوسل شد.

- طرح موضوع در شورای حقوق بشر

- شکل‌گیری دادگاه مشترک ایران و عراق (دادگاه ویژه آمریکا) می‌تواند بستری برای رسیدگی به جرم حادث‌شده باشد؛ که در این صورت صلاحیت خود را به موجب قواعد مندرج در اساسنامه محکمه که برخاسته از تراضی دو دولت است اخذ می‌نماید.

- در فرض دیگر، کمیته حقوق بشر سازمان ملل را نیز می‌توان به‌عنوان مرجع دیگر در نظر گرفت. در چنین حالتی می‌بایست دو دولت خواهان و خوانده اعلامیه تراضی بر امکان استماع اختلاف در کمیته مزبور را صادر نموده باشند.

- به کارگیری یک دیپلماسی مقاومتی، قاطع و فوری در قالب ظرفیت‌های ناشی از اقدام متقابل غیر نظامی، که می‌توان توأمان به دکنترین خودیاری نیز متوسل شد. با این توضیح که با اجرای قاطع قانون طرح تقویت جایگاه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در برابر امریکا و استفاده از ظرفیت‌های «اقدامات متقابل» این قانون می‌توان پاسخی هم‌سطح و از لحاظ موازین بین‌المللی مشروع به اقدامات این چنینی امریکا داد.

منابع

- کرافورد، جیمز (۱۳۹۵)، **حقوق مسئولیت بین‌المللی**، ترجمه علیرضا ابراهیم‌گل و همکاران، تهران: نشر سنگلج.
- ملکی زاده، امیرحسین (۱۳۹۱)، تحلیل مفهوم قابلیت انتساب مسئولیت بین‌المللی در روبه دیوان بین‌المللی دادگستری، **نشریه راهبرد**، شماره ۶۴، سال ۲۱.
- Olivier Corten, François Dubuisson, Vaios Koutroulis et Anne Lagerwall (2020). L'execution de Qasem soleimani et sasuites: Aspects de jus contra bellum et de jus in bello, *Revue General de Droit international public*.
- Boutin, b, (2017) "Attribution if Conduct in International Military Operations: A Causal Analysis of Effective Control", *Melbourne Journal of International Law*, Vol 18.
- Crawford, J, (2002). *The International Law Commissions Articles on State Responsibility Introduction, Text and Commentaries*. Cambridge.
- Schmitt M., (1992) "State-Sponsored Assossination in International and Domestic Law", *Yale Journal of International Law*, Vol. 17
- Difference Relating to Immunity from Legal Process of a Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, *I.C.J. Reports 1999*, p.62.
- German Settlers in Poland, 1923, *P.C.I.J. Series B*, No. 6, p.19.
- Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua V. United States of America) *I.C.J Reports 1986*, para 107.
- Rattan, j, (2019) "Changing Dimensions of Intervention Under International Law: A Critical Analysis" *SAGE Open*, Vol. 9, issue 2.
- Draft Articles on State Responsibility 2001.
- Talmon, Stefan. Heipertz, Miriam; (2020) "The U.S. killing of Iranian General Qasem Soleimani: of wrong trees and red herrings, and why the killing may be lawful after all", *GPIL – German Practice in International Law*.
- Wagner, M, (2003) "The ICC and its Jurisdiction - Myths, Misperceptions and realities", *Max planck Yearbook of united nations law*, vol. 7.
- CNN, « Pompeo: Strike on Soleimani disrupted an 'imminent attack' and 'saved American lives' », 3 janvier 2020, <https://edition.cnn.com/2020/01/03/politics/mike-pompeo-iran-soleimani-strike-cnn/index.html>.



- <https://www.icana.ir/Fa/News/441240>
- <https://sptnkne.ws/AUWM>
- <http://css.ir/clyilq>
- www.iranprimer.usip.org
- www.vox.com

